

باز چشم مهربان شهر ما  
بوی شبنم، بوی باران می دهد  
باز از غصه پرستوی دلم  
پیش چشم خسته ام جان می دهد  
ماه خون است و شهادت باز هم  
لاله های سرخ بی سر می شوند  
از میان باغ سبز مصطفی (ص)  
غنچه های تازه پر پر می شوند  
در دل صحرای گرم کربلا  
خون گلهای بهاری جاری است  
بلبلی در باغ زاری می کند  
در قفس اشک قناری جاری است  
در میان کوچه های شهر ما  
اشک می ریزند مردم با حسین (ع)  
کاش در آن روز سخت کربلا  
با تو بودم، با تو آری یا حسین (ع)